

عنوان: پیشرفت نتیجه عبور از فراز و نشیب بحران و پیروزی است و برخورد به موانع
اجتناب ناپذیر است .
پیام ۲۸ دسامبر ۲۰۱۰

قسمت روحانی

- ۱- مناجات شروع از آثار حضرت بهاءالله
- ۲- مناجات دوم
- ۳- نصوص حضرت بهاءالله
- ۴- قسمتی از هفت وادی
- ۵- باید پای استقامت محکم کنید

قسمت اداری

- ۶- گزیده ای از بیانات حضرت ولی امرالله
- ۷- بخشی از دستخط بیت العدل اعظم الهی
- ۸- شاهد تاریخی

۱- مناجات شروع از آثار حضرت بهاءالله

بِسْمِ اللَّهِ الْأَقْدَسِ

يَا مَنْ بَلَاؤُكَ ذَوَاءَ الْمُقْرَبِينَ وَ سَيْفُكَ رَجَاءَ الْعَاشِقِينَ وَ سَهْمُكَ مَحْبُوبَ الْمُشْتَاقِينَ وَ قَضَاؤُكَ أَمَلُ الْعَارِفِينَ * أَسْأَلُكَ بِمَحْبُوبِيَّةِ نَفْسِكَ وَ بِأَنْوَارِ وَجْهِكَ بِأَنْ تُنَزِّلَ عَلَيْنَا عَنْ شَطْرِ أَحَدِيَّتِكَ مَا يُقَرِّبُنَا إِلَى نَفْسِكَ ثُمَّ اسْتَقِمَّ يَا إِلَهِي أَرْجُلُنَا عَلَى أَمْرِكَ وَ نُورَ قُلُوبُنَا بِأَنْوَارِ مَعْرِفَتِكَ وَ صُدُورَنَا بِتَجَلِّيَاتِ أَسْمَائِكَ * أَيُّ رَبِّ أَنَا الَّذِي وَجَّهْتُ وَجْهِي إِلَيْكَ وَ أَكُونُ أَمِلاً بِدَائِعِ فَضْلِكَ وَ ظَهُورَاتِ كَرَمِكَ * أَسْأَلُكَ بِأَنْ لَا تُخَيِّبَنِي عَنْ بَابِ رَحْمَتِكَ وَ لَا تَدَعْنِي بَيْنَ الْمُشْرِكِينَ مِنْ خَلْقِكَ * يَا إِلَهِي أَنَا عَبْدُكَ وَ ابْنُ عَبْدِكَ اعْتَرَفْتُ بِكَ فِي أَيَّامِكَ وَ أَقْبَلْتُ إِلَى شَاطِئِ تَوْحِيدِكَ مُعْتَرِفاً بِفِرْدَانِيَّتِكَ وَ مُدْعِناً بِوَحْدَانِيَّتِكَ وَ أَمِلاً بِغُفْوِكَ وَ غُفْرَانِكَ * وَ أَنْتَ الْمَقْتَدِرُ عَلَيَّ مَا تَشَاءُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْعَزِيزُ الْغَفُورُ

ادعیه حضرت محبوب ص ۶۱

۲- مناجات دوم

هُوَ اللَّهُ

ای پروردگار یاران در هر گوشه و کنار در تحت تهدید بیگانه و اغیارند از جان بیزار و از هر فکری در کنارند روی تو جویند و سوی تو پویند راز تو گویند ای دلبر مهربان بیچارگان را از بیگانگان در صون حمایت حفظ و صیانت فرما و افتادگان را به ید قدرت بلند فرما و بی نصیبان را به فیض قدیم بهره فراوان بخش محرومان را محرم اسرار کن و مشتاقان را به موهبت دیدار بیرو و بنواز زیرا اسیر آن زلف مشکبارند و در هر دم صد جان نثار نمایند توئی مقتدر و توانا و توئی دهنده و بخشند و بینا . ع ع

مجموعه مناجاتهای حضرت عبدالبهاء چاپ آلمان ص ۳۷۳

۳- نصوص حضرت بهاءالله

حضرت بهاءالله می فرمایند :

در اول هر ظهور سختی و شدت و تنگی و عسرت از هر جهت صائل و هائل، ولكن در نهایت این شدت به رخا و این عسرت به عزت بی منتهی مبدل گردیده است . (ترجمه) ۱

و نیز:

بگو ای اهل بهاء مبدا سطوت اقویا قوت شما را سلب نماید و یا شوکت امرای ارض شما را خائف و هراسان سازد به حق توکل کنید و امور را به حفظ او سپارید. خداوند به نیروی حقیقت شما را مظفر و منصور خواهد ساخت. انه هو المقتدر علی ما یشاء و فی قبضته زمام القدره و الاقتدار. ۲

ظهور عدل الهی ص ۱۶۸

حکایت کنند عاشقی سالها در هجر معشوقش جان میباخت و در آتش فراقش میگذاخت از غلبه عشق، صدرش از صبر خالی ماند و جسمش از روح بیزاری جست و زندگی در فراق را از نفاق میشمرد و از آفاق به غایت در احتراق بود. چه روزها که از هجرش راحت نجسته و بسا شبها که از دردش نخفته. از ضعف بدن چون آهی گشته و از درد دل چون وای شده. به یک شربه وصلش هزار جان رایگان میداد و میستر نمیشد. طبیبان از علاجش در ماندند و مؤانسان از انشش دوری جستند بلی مریض عشق را طبیب، چاره نداند مگر عنایت حبیب دستش گیرد. باری عاقبت شجر رجایش ثمر یأس بخشید و نار امیدش بیفسرد تا آنکه شبی از جان بیزار شد و از خانه به بازار رفت. ناگاه او را عسسی تعاقب نمود. او از پیش تازان و عسس از پی دوان تا آنکه عسسها جمع شدند و از هر طرف راه فرار برآن بیقرار بستند و آن فقیر از دل می نالید و به اطراف می دوید و با خود می گفت این عسس عزرائیل من است که باین تعجیل در طلب من است و یا شداد بلادست که در کین عباد است. آن خسته تیر عشق به پا دوان بود و به دل نالان تا به دیوار باغی رسید و به هزار زحمت و محنت بالای دیوار رفت دیواری بغایت بلند دید از جان گذشت و خود را در باغ انداخت دید معشوقش در دست چراغی دارد و تفحص انگشتری می نماید که از او گم شده بود. چون آن عاشق دلداده معشوق دل برده را دید آهی بر کشید و دست به دعا بر داشت که ای خدا این عسس را عزت ده و دولت بخش و باقی دار که این عسس جبرئیل بود که دلیل این علیل گشت یا اسرافیل بود که حیات بخش این ذلیل شد. و آنچه گفت فی الحقیقه درست بود زیرا ملاحظه شد که این ظلم منکر عسس چقدر عدلها در سر داشت و چه رحمتها در پرده پنهان نموده بود بیک قهر تشنه صحرای عشق را ببحر معشوق واصل نمود و ظلمت فراق را بنور وصال روشن فرمود بعیدی را بیستان قرب جای داد و علیلی را به طبیب قلب راه نمود. حال آن عاشق اگر آخر بین بود در اول بر عسس رحمت مینمود و دعایش میگفت و آن ظلم را عدل میدید چون از آخر محجوب بود در اول ناله آغاز نمود و بشکایت زبان گشود.

و لکن مسافران حدیقه عرفان چون آخر را در اول بینند لهذا در جنگ صلح و در قهر آشتی ملاحظه کنند...

آثار قلم اعلی جلد ۳ ص ۱۰۶ - ۱۰۴

۵- باید پای استقامت محکم کنید

حضرت عبدالبهاء می فرماید :

کثیری از نفوس علیه شما قیام خواهند کرد، بر شما ظلم و ستم روا خواهند داشت، هتک حرمت خواهند کرد ناسزا خواهند گفت تمسخر خواهند نمود از جمع شما اجتناب خواهند کرد و شما را استهزاء خواهند نمود اما پدر آسمانی شما را آن چنان نورانی خواهد کرد که به مثابه اشعه آفتاب، سحاب مظلم اوهام را پراکنده خواهید ساخت و در وسط السماء در کمال تلالو خواهید درخشید و وجه ارض را روشنی خواهید بخشید. زمانی که این بلاها و افتتانات اتفاق افتد باید پای استقامت محکم کنید صبر و تحمل به عرصه شهود رسانید باید در نهایت محبت و مهربانی با آن ها مقابله کنید؛ مظالم و آزارهای آنان را بوالهوسی اطفال ملاحظه کنید و برای هر آن چه که آنها انجام می دهند ادنی اهمیتی قائل نشوید. (ترجمه)

زر و آتش ص ۷۰

۶- گزیده ای از بیانات حضرت ولی امرالله

احبا را تشویق نمائید که به هیچ وجه مضطرب و مأیوس نگردند؛ بلکه با عزمی جزمتر و وحدت و استقامت تمام به انجام وظیفه خطیره مقدسه خود یعنی انتشار و استقرار امر الهی ادامه دهند و به آینده پر شکوهی که در انتظارشان است مطمئن و امیدوار باشند. هر چقدر بلایا بیشتر و شدیدتر باشد باید ایمان و اعتقادشان به مأموریت یگانه ای که نفس مقدس حضرت بهاءالله بر عهده شان نهاده عمیقتر و اشتیاقشان جهت کمک به تسریع تحقق آن افزونتر شود ... این آئین به عنوان آئینی الهی بر بنیان متین تأسیس نیابد مگر آن که با نیروهای مخالفی که به سویس هجوم می آورند مقابله نموده و بر آنها غلبه نماید. تاریخ امر به نفسه دلیلی کافی بر این مدعاست. بهره برگزیدگان الهی همواره جام بلایا و مصائب بوده و خواهد بود که باید آن را برکات الهی در شکل مبدل بدانند زیرا به واسطه آن ایمانشان زنده پاکیزه و نیرومند خواهد شد.

انوار هدایت ص ۵۲۷

و نیز می فرمایند:

اگر به دیده بصیرت ملاحظه شود، واضح و معلوم گردد که نفس اضطراب و آشفتگی، همین توالی مصائب و بلایا و شداید و تکرر امتحانات، مشقات و آلام فی نفسه نیروی محرکه استعدادهای مکنون در امر مبارک شده و قوه پر جذب و نفوذ فراگیر آن را تقویت نموده است. مسلماً در نتیجه هیوب اریاح بلایا و طوفان شدید امتحانات و افتتانات، ابعاد فعالیت امر مبارک توسعه، ارکانش به درجات متعالی تر ارتقاء و اساس و بنیانش تحکیم، شکوه و جلالش تزايد، سرعت توسعه نفوذش ازدیاد و تفوق و استیلاء پیش ظهور و بروز یافته است. هر لطمه ای که از خارج توسط ایادی خاطیان بر جامعه پیروان امر الله وارد گشته، وسیله فتح و ظفر جدیدی برای امر الهی شده و هر بلوا و آشوبی که از داخل جامعه در اثر دسائس و تحریکات خائنین بی وفا ایجاد شده به توفیق بارز امرالله و ظهور جلال و عظمت آن منجر شده است. (ترجمه) ۱

و در بیان دیگر می فرمایند:

اگر چنانچه در مستقبل ایام آفات گوناگون آن سرزمین را احاطه نماید و انقلاب کشوری بر تزییقات حالیه و محن وارده متواتره بیفزاید و افق آن اقلیم جلیل تاریکتر گردد ملول و اندوهگین مگردید و از مسلک و منهج قوم خویش که مواظبت و سعی مستمر متمادی در ازدیاد و استحکام و اشتها و اعزاز مؤسسات امریه است سر موئی منحرف مگردید. استخلاص این فئه مظلوم بیگناه از قیود اسارت و چنگ ارباب ظلم و عداوت، ضوضا و هیجان عمومی را مقتضی و حصول عزت و رخاء و آسایش حقیقی از برای اهل بها، مقاومت و ممانعت و شور و آشوب اهل حقد و جفا را مستلزم؛ پس اگر چنانچه تلاطم دریای بلا ازدیاد یابد و طوفان محن و رزایا از شش جهت آن جمعیت مظلوم را احاطه نماید به حق یقین بدانید و آنی متردد نمایند که میعاد نجات و میقات جلوه موعوده دیرینه نزدیک گشته و وسائل اخیره فوز و نصرت عظمی از برای ملت ستمدیده بها در آن کشور مهیا و فراهم شده. قدم ثابت لازم و عزم راسخ واجب تا این مراحل باقیه طی گردد و مقصود و آمال اهل بهاء در اعلی المقامات پدیدار گردد و جلوه ئی حیرت انگیز نماید. هذه سُنَّة الله و لَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِهِ تَبْدِيلاً. ۲

۱- زر و آتش ص ۴۱

۲- توقیعات مبارکه ج ۳ ص ۵۱

۷- بخشی از دستخط بیت العدل اعظم الهی مورخ ۹ شهریور ۱۳۵ بدیع مطابق با شهریور ماه سال ۱۳۵۷ شمسی "... از اشتعال نار امتحان و افتتان در این عالم امکان متزلزل مگردید چه که ید غیبی در کار است و جمیع حوادث روزگار ممد شریعت پروردگار. تابش برق و غرش رعد اگر چه طفلان مهرد را از خوف به گریه واداردا دهقان رشید را بشیر باران بهارو آبیاری باغ و کشتزار باشدبلی آتش امتحان در بنیان مرصوص امر یزدان البته در نگیرد و خللی وارد نسازد ولیکنچه بسا در دل نفوسی که به آتش افروزی و یا به تماشا، آمده اند عطشطلب ایجاد نمایند و اینجاست که باید احبای عزیز الهی آب حیات را که از سرچشمه نجات جاری گشته بر تشنگان بادیه طلب بنوشانند و سیراب نمایند و به آسایش جاودانی رسانند

۸- شاهد تاریخی

چنان که در تاریخ امر الهی بارها به تجربه رسیده چون بحرانی ناگهان پیش آید بر مشارکت بهائیان در سطح بین المللی با جامعه خارج افزوده می شود. حضرت ولی امرالله در سال ۱۹۲۸ محفل روحانی بغداد را تشویق فرمود که به کمیسیون دائمی قیمومت جامعه ملل عرضحالی دهد و به تصرف بیت حضرت بهاءالله در آن شهر از طرف مخالفین شیعه اعتراض نماید. شورای جامعه ملل بعد از ملاحظه این تصرف عدوانی به اتفاق آراء در مارس ۱۹۲۹ از مقامات قیمومیت دولت انگلستان خواست که به دولت عراق اصرار نماید که "ظلمی را که به شاکیان وارد آمده فوراً جبران نماید." دولت عراق مکرراً از جبران این ظلم طفره رفت. حتی وعده اکیدی که شخص پادشاه عراق در رفع ظلم داده بود وفا نشد و در نتیجه این قضیه سالها پی در پی در کمیسیون قیمومت جامعه ملل مطرح شد ولی بیت مبارک حضرت بهاءالله در بغداد تا امروز در دست تصرف کنندگان باقی مانده است. حضرت ولی امرالله از این عدم توفیق استفاده نموده افکار جامعه بهائی را معطوف فوایدی فرمود که این مبارزه برای امر الهی در بر داشته است و به همان نحو که در قضیه رد استیناف بهائیان مصر در مورد ازدواج بهائی از طرف محکمه شرعیه مصر معمول فرمود در این مورد نیز چنین مرقوم فرمود:

"همین قدر کافی است ذکر شود که با وجود تعلل و تعرض و فتور و قصور و طفره و تسامح فاحش ... شهرت و اعتباری که در این قضیه تاریخی برای آئین الهی حاصل گردید و اقدامی که از مجرای عالی ترین مراجع حل اختلاف در دفاع حقوق مسلوبه مظلومان یعنی دفاع از حق و حقیقت به عمل آمد به درجه ای خطیر و عظیم بود که موجب اعجاب و شگفتی دوستان و مورث خوف و دهشت دشمنان گردید."